

کاشانی؛

بنیانگذار حکومت اسلامی

به مناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد کودتای ننگین 28 مرداد 1332

بخش ششم

25 شهریور 1387 برابر با 15 سپتامبر 2008

محمد حسینی

قطع رابطه سیاسی با دولت انگلیس

از آغاز دوره دوم نخست وزیری مصدق، گذشته از ابراز نارضایتی چند تن از نمایندگان جبهه ملی و انتقاد از دولت در زمینه کوتاهی در مجازات مسببین حوادث تیرماه و شخص قوام السلطنه و همچنین مخالفت با اختیارات مصدق که شرح آن گذشت، فعالیت های ضد دولتی در ارتش نیز شروع گردید.

در اوایل شهریور ، 136 تن از افسران ارتش، با رأی نمایندگی منتخب رسته های مربوط، به دلیل عدم صلاحیت خدمتی بازنشسته شدند؛ 15 تن از امرای ارتش نیز به همین علت پاکسازی گردیدند. این گروه که نسبت به بازنشستگی خود معترض بودند، به سرپرستی سرلشگر فضل الله زاهدی، به عنوان رییس کانون افسران بازنشسته و سناتور انتصابی شاه، همراه با سرلشگر حجازی و چند تن دیگر از تیمساران برکنار شده، کانون افسران بازنشسته را تبدیل به ستاد توطئه های ضد دولت کرده بودند.

میدلتون که تصدی سفارت انگلیس را پس از عزیمت شپرد به عهده داشت، در گزارشی به ایدن، وزیر خارجه انگلیس، اطلاع داده بود که «اپوزیسیون ایران نیرومندتر شده و ژنرال زاهدی موفق به جلب حمایت مخالفان و به عنوان تنها جانشین ممکن برای مصدق گردیده است»

روز 21 مهرماه، دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه و سخنگوی دولت، در یک کنفرانس مطبوعاتی، توطئه ای را علیه دولت فاش ساخت که در آن سرلشگر حجازی، سرلشگر زاهدی، برادران رشیدیان و چند تن دیگر شرکت داشته اند.

دکتر فاطمی اظهار داشت:

«چون گزارش هایی از عملیات سرلشگر بازنشسته عبدالحسن حجازی و برادران رشیدیان رسیده بود که به معیت آقای سرلشگر زاهدی و بعضی افراد دیگری که

دارای مصونیت پارلمانی هستند، به نفع یک سفارت اجنبی مشغول توطئه و تحریک می باشند، نامبردگان که مصونیت پارلمانی نداشتند، امروز صبح از طرف فرمانداری نظامی بازداشت و به زندان شهربانی تحویل گردیدند. [...] و نسبت به سایرین که مصونیت پارلمانی دارند، دولت مطالعه خواهد کرد تا اقدامات لازم معمول گردد. . . .»

نخست وزیر قصد داشت که در جلسه 24 مهر گزارش مبادله پیام های دولت ایران و دولتین انگلیس و آمریکا را به اطلاع مجلس شورای ملی برساند، ولی چون پس از پایان تعطیلات، مجلس به حد نصاب قانونی نرسید، گزارش مزبور به وسیله رادیو برای اطلاع عموم پخش شد.

مصدق در این پیام علل غیر قابل قبول بودن پیام مشترک انگلیس و آمریکا را بیان کرد و گفت:

« . . . دولت انگلستان به نام شرکت سابق غرامتی مطالبه می کند که شامل جبران الغای قرارداد امتیاز می باشد یعنی به حساب آوردن خسارت عدم النفع؛ و حال آنکه در هیچیک از کشورهای که صنایع خود را ملی کرده اند، پرداخت غرامت برای الغای یک قرارداد خصوصی منظور نشده است . . . »

نخست وزیر خاطر نشان ساخت که نه تنها دولت انگلیس از پیشنهاد اخیر ایران استقبال نکرد، بلکه با ادامه تحریکات در داخل ایران و اعمال فشار و تضییقات اقتصادی و مالی علیه ایران، ثابت کرد که هیچگاه در صدد رفع اختلافات از راه عادلانه نبوده و نیست:

« از همان ابتدا که دولت ایران اقدام به ملی کردن نفت نمود، دولت انگلستان و شرکت سابق شروع به یک سلسله کارشکنی ها و تحریکات علیه دولت ایران در داخل و خارج کشور، به دست عمال خود کردند. دولت انگلستان ایران را به سزای اینکه از یکی از حقوق اولیه خود استفاده کرده بود، به اعمال زور توسط نیروهای زمینی و دریائی و هوائی خود که در دور و نزدیک مرزهای ایران متمرکز بود، تهدید نمود. سپس حالت مظلومیت به خود گرفته و با تبلیغات دامنه دار، تا توانست کوشید که ملت ایران را در انظار جهانیان، مردمی غاصب و متعدی معرفی کند و ضمنا به

مراجع بین المللی شکایت برد. [...] بعد از آن هم که رأی دیوان لاهه صادر گردید، دولت انگلستان در عوض اینکه از پیشنهاد ایران دایر بر تعیین طریقه عادلانه برای پرداخت غرامت استقبال کند، روش خود را که عبارت از تحریکات به وسیله ایادی خود علیه دولت به منظور بر گرداندن اوضاع به حال سابق بود، تغییر نداد، بلکه حربه دیگری به کار برد و با قوتی هر چند تمام تر فشار و تضییقات اقتصادی علیه ایران اعمال نمود. . . . »

آنتونی ایدن، وزیر خارجه بریتانیا، در خاطرات خود به سیاست ادامه مبارزه برای سقوط مصدق اذعان کرده و نوشته است:

«دولت انگلستان روی مفاد پیشنهاد مشترک انگلیس و آمریکا ایستادگی کرد. ما معتقد بودیم چنانچه خود را برای مذاکره در باره پیشنهاد جدیدی آماده نشان دهیم، این اقدام موضع ما را تضعیف خواهد ساخت و برای مصدق فرصت و مجال بیشتری به منظور تهدید ما فراهم خواهد نمود. من به موضوع دیگری نیز سخت توجه داشتم که دولت ایالات متحده آمریکا در این مورد با ما توافق نداشت؛ من معتقد بودم که هر قدر بیشتر مصدق در مسند قدرت بماند، حزب کمونیست در ایران قدرتمندتر خواهد شد. سود و صلاح بین المللی ایجاب می کرد که مصدق را آسوده نگذاریم. . . . »

روز 30 مهر 1331، وزارت امور خارجه ایران طی یادداشتی به عنوان کاردار سفارت کبرای انگلیس، تصمیم دولت ایران را مبنی بر قطع روابط سیاسی با دولت بریتانیا اعلام کرد. در این یادداشت علل و جهاتی که دولت ایران را مجبور به اخذ این تصمیم کرده بود، توضیح داده شده بود. عدم علاقه دولت بریتانیا به حل و فصل مسأله نفت ملی شده ایران و نیز مداخله برخی از مأمورین رسمی آن دولت در امور داخلی و تحریکات و مشکلاتی که به قصد اخلال در نظم و آرامش کشور فراهم می ساختند، از جمله این عوامل بود.

روز 10 آبان، اعضای سفارت انگلیس تهران را ترک کردند و پس از 93 سال روابط سیاسی ایران و بریتانیا قطع شد. همان روز مصدق پیامی خطاب به ملت انگلیس فرستاد که به وسیله رادیو پخش شد. در این پیام نخست وزیر به ملت انگلیس اطمینان که با وجود قطع روابط سیاسی بین دو دولت، نسبت به افراد ملت انگلستان با نهایت صمیمیت باقی است و رابطه دوستانه دو ملت ایران و انگلیس همچنان بر قرار است. در پایان پیام مزبور گفته شده بود:

« . . . اگر روزی دفاتر شرکت سابق نفت در برابر چشمان حق پرست [ملت] انگلیس گذارده شود و مداخلات و حق کثی ها و سیاست بازی ها و تحریکات و یغمای او را یکایک نظاره کنند، بدون شک به صبر و بردباری و طاقت ملت ایران آفرین خواهند گفت، ولی پرده سیاه تبلیغات ناروای شرکت در داخل و خارج انگلستان، جلوی نشر حقایق را گرفته است و یکبار دیگر این جریان ثابت کرد هنوز "قدرت پول" حق و عدالت قرن بیستم را مسخره می کند، ولی ملت ما به مبارزه شرافتمندانه خود ادامه می دهد . . . »

تعطیل مجلس سنا

خودداری مجلس سنا از تصویب لوایح عفو خلیل طهماسبی و مصادره اموال احمد قوام، که آن را خلاف قانون اساسی دانست، سرآغاز کشمکش بین نمایندگان مجلس و سناتورها بود. در جلسه روز اول آبان مجلس شورای ملی طرح تقلیل مدت سنا از چهار سال به دو سال، با تفسیر اصل پنجم قانون اساسی، به قید سه فوریت از طرف عده ای از نمایندگان به شرح زیر تقدیم مجلس گردید و بلافاصله به تصویب رسید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی با توجه به مفهوم کلی قانون اساسی و به اتکاء اصول 5، 45، و 50 قانون اساسی را چنین تفسیر می نماید که مدت نمایندگی منتخبین هر دو دوره تقنینیه، اعم از مجلس شورای ملی و مجلس سنا دو سال است.

هنگام طرح لایحه سه فوریتی، دکتر شایگان در موافقت با تصویب آن گفت:

« . . . قضیه تفسیر قانون اساسی راجع به اینکه مدت تقنینیه مجلس سنا، به همان مدت تقنینیه مجلس شورای ملی محدود شود، دو جنبه دارد؛ یکی سیاسی و دیگری قضایی. از نظر سیاسی آزادیخواهان صدر مشروطیت، یعنی آزادیخواهان واقعی، منظورشان این بود که مجلس سنا تشکیل نشود و اگر مشکلاتی نداشتند، حتی ذکر آن را هم نمی کردند. در دوران اخیر که مردم در تعیین سرنوشت خود شرکت کردند، وزیر خارجه ایران به لندن رفت و ترتیب تشکیل مجلس سنا را داد. [...] لذا قهرمان "سنا" در ایران دولت انگلستان بود. [...] حالا هم جریان طبیعی طوری است که وقتی ریشه خشک شد، باید شاخه هم خشک شود. از لحاظ قانونی نمایندگان سنا خودشان نظامنامه نوشتند و مدت تقنینیه تعیین کردند، ولی این حساب را نکردند که لا اقل از حیث مزایا در ردیف شورا باشند. . . . »

پس از بیانات چند تن دیگر از نمایندگان، طرح پیشنهادی تعطیل سنا به تصویب رسید. روز 5 آبان شاه قانون تفسیر اصل 5 قانون اساسی مبنی بر تقلیل مدت مجلس سنا را توشیح کرد.

هرچند مجلس سنا یکی از پایگاه های توطئه و تحریک علیه دولت، برچیده شد، ولی دکتر مصدق به لحاظ پایبندی به اصول قانون اساسی و تفکیک اختیارات قوای سه گانه و با توجه به مخالفتی که در سال 1328 با تفسیر و تغییراتی که در قانون اساسی به نفع شاه کرده بود، اظهار نظری در زمینه تصمیم مجلس شورای ملی و تعطیل سنا نکرد، روز 3 آبان دکتر حسین فاطمی سخنگوی دولت، در پاسخ خبرنگاران در مورد تعطیل مجلس سنا گفت:

«... دولت مجری قانون است و از روز اول خود را در این جریان وارد نکرده و نخواهد کرد. این مطلبی است که باید مجلس شورای ملی خود حل و فصل نماید. مجلس شورای ملی معتقد است که از حقی استفاده کرده است. فقط آنچه می توانم به آقایان خبرنگاران بگویم، این است که تفسیری را که مجلس شورای ملی در این ماده نموده است، در ساعت نیم بعد از ظهر روز پنجشنبه توسط آقای مهندس رضوی، نایب رئیس مجلس شورای ملی، به دولت ابلاغ گردید که بلافاصله برای توشیح فرستاده شد. . . .»

کاشانی تعطیل مجلس سنا را اقدامی در راه ترقی و سعادت ملت ایران توصیف کرد و گفت:

«... ملت ایران مجلس سنا را خار راه سعادت و ترقی خود تشخیص داد و مجلس شورای ملی فقط تبعیت از افکار و احساسات ملی کرده است. . . .»

روز 8 آبان، عبدالعلی لطفی، وزیر دادگستری، لایحه تعقیب احمد قوام را تقدیم مجلس کرد. و در جلسه 13 آبان، لایحه مزبور به شرح زیر تصویب شد:

«مجلس شورای ملی به وزارت دادگستری اجازه می دهد که نسبت به وقایع 27 تا 30 تیرماه 1331، آقای احمد قوام را مورد تعقیب قانونی قرار دهد.»

این لایحه با طرح سه فوریتی که در جلسه 7 مرداد 1331 مجلس شورای ملی مبنی بر مصادره اموال احمد قوام قبل از محاکمه و محکومیت او به تصویب رسید، مغایرت داشت. در جلسه 27 مهرماه نیز به کوشش دکتر بقایی و چند تن از همفکران

او طرح دیگری با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد. به موجب این طرح رسیدگی به کلیه جرائمی که در حوادث روزهای 26 تا 31 تیر روی داده، در صلاحیت دیوان جنایی پنج نفری در محل واقعه بود. همچنین « تشخیص جرایم مسببین و مسئولین و مباشرین، اعم از نظامی یا غیر نظامی در دادگاه مزبور، با حضور هیأت منصفه، رسیدگی خواهد شد. وزارت دادگستری مکلف است پس از تصویب این قانون، دادستان و بازپرسان مخصوص تعیین کند که در اسرع اوقات به وظیفه خود در حدود قوانین کیفری اقدام نمایند. . . »

طرح یک ماده ای دولت که با قید دو فوریت تقدیم مجلس گردید و تصویب شد، طبق قانون محاکمه وزرا و با موافقت مجلس بود. باقرکاشی، نایب نخست وزیر هنگام بحث پیرامون آن اعلام کرد که دولت لایحه مصوب 7 مرداد مجلس شورای ملی را که مراحل قانونی آن انجام گرفته است، اجرا خواهد کرد. با اینهمه، دکتر بقایی به عنوان رئیس کمیته تحقیق اتهامات قوام السلطنه، همچنان موضوع تعقیب نخست وزیر و ضبط اموال او را در نطق های قبل از دستور و روزنامه شاهد دنبال می کرد و هدف اصلی او در اینکار مخالفت با مصدق و تضعیف دولت بود.

اصرار بقایی در تعقیب احمد قوام و ضبط اموال او، بهانه ای برای توجیه مخالفتش با مصدق بود. روابط نزدیک مصدق با سران حزب ایران و موفقیت حزب مزبور در انتخابات، رقابت با سران جبهه ملی و همچنین افشای خبر ملاقات پنهانی دکتر عیسی سپهبدی با قوام السلطنه و پیام بقایی به وی (قوام) در روز 26 تیر 1331، که منجر به اعتراض فعالان حزب زحمتکشان و انحلال آن گردید، از عوامل اصلی جدایی بقایی از جبهه ملی و مخالفت و رویارویی او با مصدق گردید.

بقایی برای پیشبرد هدف های خود، به هیچیک از موازین اخلاقی و انسانی پایبند نبود. او با دربار، اشرف و شاه ارتباط منظم داشت. با سفارت آمریکا و عوامل اطلاعات آن مربوط بود. بر رسی اسناد و مدارک موجود، نشان می دهد که مظفر بقایی از نابکارترین سیاستمداران چهار دهه پس از شهریور 1320 بوده است. درباره فعالیت های ضد ملی و میهنی بقایی در فصول بعدی به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

در هفته های اول بعد از حوادث 30 تیر، هیچیک از طرفداران ناراضی مصدق، جرأت حمله مستقیم به او را نداشتند، ولی با استفاده از امکاناتی که در اختیارشان

قرار می گرفت، با تاکتیک های عوام فریبانه ای نظیر: سهل انگاری در تعقیب و مجازات مسببین واقعه 30 تیر، دولت را مورد انتقاد و حتی سرزنش قرار می دادند.

ادامه دارد . . .

در بخش 7 از این سلسله نوشته ها، به شرح

حمله ها و هتاکی هایی خواهیم پرداخت که نسبت

به دولت دکتر محمد مصدق آغاز شد